

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۳۱ دسمبر ۲۰۲۱

نیم جو راست بین یک من دروغ! به ارتباط مصاحبه "غنی احمدزی" با مرکز دروغ پراکنی جهان

پنجشنبه- ۰۹ جدی ۱۴۰۰ - کابل: برداشت نادرست و انحرافی از مفهوم سیاست و آن را در عوض "خدمت به خلق" دانستن، تأمین منافع شخصی از هر طریق به خصوص، مکر، فریب، ریا و دروغ معنا نمودن، باعث شده است که تمام زمامداران افغانستان بدون استثناء دروغگوی و فریبکار باشند. به عبارت دیگر، سیاستمدار به کسی اطلاق گردد که بیشتر دروغگوی و کلاه باز و فریبکار باشد و مانند ماش همیشه بلولد و به گفته هواداران چنین سیاستی، "شناگر ماهر سیاسی" باشد.

هرچند بین تمام زمامداران، دروغ و ریاکاری به مثابه محور و خصیصه مشترک همه آنها به شمار می رود، با آنهم نباید از حق گذشت و همه را یکسان دانست، بلکه درجات مختلفی را که هریک اشغال نموده اند، می باید به رسمیت شناخت، از چنین منظری تا جایی که من در ۴ دهه اخیر شاهد بوده ام، بدون کم و کاست، "غنی احمدزی" چنان مقام اول را برای خود اختصاص داده است، که نمرات جمعی رقبایش نیز با آن همسری نمی تواند تا چه رسد به این که یک تن از آنها را رقیب جدی برایش به شمار آورد.

مصاحبه امروز "غنی احمدزی" با جنرال "نیک کارتر" لوی درستیز سابق امپریالیسم انگلیس، یکی از نمونه های آشکار دروغگوئی و فرار از مسؤولیت "غنی احمدزی" می باشد. علی رغم این که مصاحبه از ده ها جهت قابل مکت و نمونه آشکاری از فریبکاری "غنی احمدزی" است، من در این جا صرف به یگانه نیمه راستی که در مصاحبه آنهم به صورت تلویحی وجود دارد، می پردازم امید است در این کار توفیق یابم:

"غنی احمدزی" در مصاحبه اش می گوید: «*اشتباه من اعتماد به امریکا و شرکای بین المللی بود*»

"غنی احمدزی" که عمری را به دروغ و فریب گذارانیده است، آنگاهی که ناگزیر است راست بگوید، همان را هم با لفافه دروغ بیان می دارد، مثلاً در همین جمله ترکیب "شرکای بین المللی" ادامه خاک زدن به چشم مردم افغانستان و دوام تبلیغات فریبکارانه می باشد. زیرا افغانستان به مثابه یک کشور اشغال شده و منقاد و فاقد کمترین صلاحیت در تعیین سرنوشت مردم افغانستان، اساساً در سطحی قرار نداشت که دولتی آن را به مثابه "شریک" خود به شمار آورد، همان طوری که شخص "غنی احمدزی" نیز ناگزیر است در لا به لای مصاحبه اذعان دارد، این اشغالگران بوده اند که هر چه دلشان می خواست و هر چه آرزو داشتند و آن را به منفعت خود می دانستند، می نوشتند، خود عمل می کردند و

از "غنی احمدزی" نیز می خواستند تا آن را عملی نماید. یعنی رابطه حاکمیت دست نشانده با اشغالگران، رابطه بین دوشریک نه بلکه رابطه بین بادر و آقای متکبر و سختگیر و یک برده گوش به فرمان بوده است. آن نیمه جو حقیقتی که در همین گفته "غنی احمدزی" آنهم به صورت تلویحی وجود دارد، این است که نامبرده هیچ گونه اعتمادی بالای مردم افغانستان نداشته است. وی می دانسته که افغانستان کشوریست اشغال شده و منبع قدرت اشغالگران است از همین رو آنها را طرف اعتماد خود انتخاب نموده بود، هرگاه چنین نمی بود و "غنی احمدزی" منبع قدرت را اشغالگران نمی دانست، هیچ نیازی نداشت تا جهت بقای حاکمیتش به اشغالگران اعتماد نماید، بلکه منبع قدرت را می یافت و با آن اعتماد می نمود.

هموطنان گرامی!

"غنی احمدزی" در این مصاحبه نکاتی را مطرح نموده که گذشته از این که اثبات آنها امروز به ارائه سند نیازمند است، بلکه در صورت صحت آن ادعا ها، تنها کتمان همان ها در طی هفت سال گذشته و آنها را با مردم در میان نگذاشتن، هیچ قاضی با وجودانی را از صدور حکم محکومیت این کلاش دروغگوی باز نمی دارد. امیدوارم روزی برسد که خلق افغانستان قادر شود با طرد امپریالیسم و ارتجاع و از قدرت به زیر کشیدن نوکران آنها، شرایطی را به وجود بیاورند که خلق افغانستان مرده و زنده خاینان به وطن را محکمه نماید.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!